

زمینه و هدف: یائسگی شروع دوران جدیدی از زندگی یک زن می باشد که همانند تمام مراحل حیات گذشته از زوایای آن مثل فراغت از مشکلات دوران بارداری خطرات و مشکلاتی زندگی آنها را تهدید می کند. از نظر علمی یائسگی پایان عادت ماهیانه و فعالیت تخمدانها و تحریک فولیکول ها می باشد از آنجا که زنان یائسه به علت سالمندی جزء اقشار آسیب پذیر اجتماع طبقه بندی می گردند. توجه به کیفیت زندگی آنها الزامی می باشد. هدف از این تحقیق تعیین کیفیت زندگی پس از یائسگی در زنان بانسه شهرستان گناباد در سال ۱۳۸۷ می باشد

روش پژوهش: این مطالعه از نوع توصیفی می باشد که به صورت مقطعی انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای دو قسمتی بوده که قسمت اول مربوط به اطلاعات دموگرافیک داده های پژوهش و قسمت دوم فرم اندازه گیری کیفیت زندگی ۳۶ (SHORT FORM) SF بوده که میان ۲۰۰ زن یائسه شهرستان گناباد توزیع گردیده است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۱/۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: ارتباط معنی داری بین وضعیت تاهل ($p=0/016$) مدت یائسگی ($p=0/002$) درآمد ($p=0/000$) با کیفیت زندگی وجود داشت اما بین شغل زنان یائسه و همراهی (کسانی که با زنان یائسه زندگی می تحصیلات ($p=0/001$) میزان کنند) با کیفیت زندگی ارتباط معنی داری مشاهده نگردید. در مورد وضعیت تاهل و تاثیر آن بر کیفیت زندگی پس از یائسگی، زنان بی همسر در اثر طلاق نمره بیشتری را کسب نموده اند. زنان یائسه با سطح تحصیلات در حد سیکل نیز نسبت به سایر واحدهای پژوهش از نمره بهتری برخوردار بودند. یکی دیگر از سایر متغیرها میزان درآمد بوده که زنان یائسه ای که سطح درآمد خود را در حد خوب عنوان نموده اند از کیفیت زندگی مطلوب تری پس از یائسگی بهره می برده اند.

بحث و نتیجه گیری: نتیجه ای که از این مطالعه به دست آمد این بود که سطح کیفیت زندگی پس از یائسگی در زنان یائسه شهرستان گناباد به دلیل کم سواد و بعضا بی سواد بودن و نیز کم درآمد بودن اکثریت واحدهای پژوهش کمتر از حد انتظار بوده در نتیجه پیشنهاد می شود که زنان یائسه توسط مراکز بهداشتی درمانی تحت مراقبت قرار گرفته و در مورد علایم عوارض و راهکارهایی جهت ارتقاء سطح کیفیت زندگی در زنان یائسه شهرستان ندگی آموزش هایی مستمر ترتیب داده شود. کلید واژه ها: کیفیت زندگی، زنان یائسه، گناباد.